



غزالی؛ از مخالفت با تصوف تا تفسیر صوفیانه قرآن

غزالی را اندیشمندی ظاهرگرا خوانده‌اند و هر چند او مخالف جریان‌های رسمی در فلسفه و تصوف بود، تلاش کرد تا تفسیری صوفیانه از قرآن به جای نهد.

غزالی را اندیشمندی ظاهرگرا خوانده‌اند و هر چند او مخالف جریان‌های رسمی در فلسفه و تصوف بود، تلاش کرد تا تفسیری صوفیانه از قرآن به جای نهد.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، ابوحامد امام محمد غزالی در چنین روزی به دنیا آمد. مردی که در مخالفت با فلسفه پایمردی تمام داشت و کوشش کرد تا با ارائه آثارش راه را برای احیاء علوم دین بگشاید. او جزوات و کتب فراوانی در امر دین به جای گذاشته است.

نام کامل وی را ابی حامد محمد بن محمد الغزالی الشافعی ذکر کرده‌اند و عنوان غزالی در نامش اشاره به بر پیشه پدرش داشت که نخ‌پشمین می‌فروخت. پدرش مردی صوفی بوده و دو فرزندش محمد و احمد- از بزرگان اندیشه دینی محسوب می‌شوند. دوازده ساله بود که دانش آموزی آغاز کرد و پس از چهار سال سخن خود را چنان معرفی کرد که از اندازه فهم بیشتر اهل روزگار در می‌گذرد. سال‌های اولیه تحصیل را در طوس بود و آن‌گاه راهی جرجان شد تا از ابوالقاسم اسماعیلی جرجانی درس بیاموزد.

در راه بازگشت از جرجان بود که بر راهزنانی برخورد که جزواتش را به غارت بردند و او در طوس به بازخوانی معلومات پرداخت تا دیگر برای دانستن نیاز به جزوه و دفتر نداشته باشد. وقتی به درگاه ملک‌شاه سلجوقی درآمد، خواجه نظام الملک قدرش شناخت و او را به «زین الدین» و «شرف الائم» ملقب کرد و سال‌ها مدرس عالی نظامیه بغداد بود. برخی از مورخان اندیشه اسلامی دوره‌های زندگی او را چنین نام برده‌اند: فقر و تنگدستی، آشنایی با مبانی فقه و کلام، شکوه و جلال مادری، حیرانی و سرگردانی و بازگشت به خود.

غزالی کسی بود که با تکفیر ابو علی سینا به خاطر اعتقاداتش در خصوص عدم علم خداوند به جزئیات و نیز قدم عالم در کتاب تهافت الفلاسفه نهال ضدیت با فلسفه در تفکر اشعری را آبیاری کند. برادرش شیخ احمد غزالی روز مرگش را چنین روایت می‌کند: روز دوشنبه به هنگام صبح، برادرم وضو ساخت و نماز گزارد و گفت کفن مرا بیاورید، آوردند. گرفت و بوسید و بر دیده نهاد و گفت: سمعاً و طاعة للدخول علی الملک. آنگاه پای خویش را در جهت قبله دراز کرد و پیش از برآمدن خورشید راهی بهشت گردید، در زیر بالش وی ابیات زیر را دریافتند که ممکن است، در جریان همان شب آنرا سروده باشد: چون بعد وفاتم مرا جویند گریه کنان/ اشک ریزند پی من دوستانم نعره‌زنان/ بر گو بدیشان مپندارید که من مرده‌ام/ برون رفتم زین جسد و آزاد گشته‌ام.

تالیفات و اندیشه

تعداد تالیفات غزالی چنان ارزیابی شده است که اگر تعداد آن را بر روزهای عمرش تقسیم کنند، هر روز چهار جزوه نوشته است. عبدالرحمان بدوی در کتاب مولفات، غزالی این آثار را بالغ بر 457 دانسته است. از معروف‌ترین آثار این متکلم ایرانی می‌توان به مقاصد فلسفه، تهافت الفلاسفه، احیاء علوم دین، کیمای سعادت، المنقذ من الاضلال و نصیحة الملوک اشاره کرد. محمد سعید شیخ در کتاب مطالعات تطبیقی در فلسفه اسلامی، عنوان می‌کند که شک دستوری دکارت، شکاکیت هیوم، نقد عقل محض کانت و اصالت تجربه روحی برخی از فیلسوفان دین معاصر را می‌توان در اندیشه‌های غزالی یافت.

محمد غزالی اندیشه بازگشت به متون دینی را مطرح کرده است. وی هرج و مرج در اندیشه دینی را محصول چهار گروه می‌داند، فلاسفه، صوفیان، اسماعیلیان یا باطنیون و فقها و متکلمان. او علم مخالفت با بسیاری از اندیشمندان دینی را به دست گرفت، اما در راه تفسیر دینی به سوی ظاهرگرایی و ضدیت با عقل شهره شد. سیدحسین نصر اهمیت غزالی را از آن جهت دانسته است که قدرت مذهب صرفاً استدلالی را از جامعه اسلامی برانداخت.

در اندیشه سیاسی، غزالی را سازش‌گر میان سلطنت و خلافت، در راستای توجیه وضع موجود ذکر کرده‌اند. «غزالی مانند ماوردی خلافت را به حکم شریعت ضروری دانسته است و بحث پیرامون خلافت را نه از آن فیلسوفان که از آن فقیهان می‌دانند.»

غزالی و قرآن

تفسیر غزالی از قرآن صوفیانه ارزیابی شده است، وی در دو تفسیر مستقل به نام مشکوة الانوار و جواهر القرآن کوشش کرده است تا برای شناختن نصوص دینی از روش تفسیر تاویلی استفاده کند. وی معتقد است، اسرار قرآن برای کسانی که اهلیت آن را داشته و مقدمات فهم این معرفت را فراهم کرده باشند، قابل حصول است. تاویل برای کسانی ممکن می‌شود که بتوانند بین عالم معقول و محسوس توازن ایجاد کنند و همچنین ساز و کار این موازنه بر اساس تاویل کشفی میسر خواهد شد. کتاب جواهر القرآن غزالی در دو بخش گوهر علم و مروارید عمل، مباحث گوناگونی در علوم قرآنی، اسرار و معنای برخی از آیات و

سوره‌ها پرداخته است. غزالی در این کتاب ابتدا آیاتی را که به نحوی درباره ذات و صفات و افعالی الهی است بیان کرده و در بخش دیگر آیاتی را که باید به آن عمل کرد، آورده است.

کتاب دیگر وی مشکوة الانوار دارای یک مقدمه و سه فصل است. وی در این کتاب به بیان معنی نور در عرف عوام، عرف خواص و خواص خواص پرداخته است و آنگاه رموز، اشارت و معنای الفاظی چون مشکات، مصباح، زجاجه، شجره، زیت و نار را مورد بررسی قرار داده و از موازنه معقول و محسوس سخن گفته است. همچنین وی با ذکر حدیثی به بحث پیرامون حجاب‌های هفتادگانه که نور خدا و معرفت الهی را می‌پوشانند، اشاره کرده است.